

ظرفیت‌های فرهنگی - سیاسی راهپیمایی اربعین و دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

سمانه طهماسبی^۱، حمید صالحی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶)

چکیده

راهپیمایی اربعین جلوه‌ای از نظریه پیوستگی است. این راهپیمایی یک امر سنتی را در دوره مدرن، به صورت یک ظهور اجتماعی گسترده با این ابعاد فرهنگی - سیاسی نشان می‌دهد. آیین راهپیمایی اربعین یکی از نمادهای تمدن‌ساز عصر حاضر برای مسلمانان است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی ظرفیت‌های فرهنگی - سیاسی و تبیین دیپلماسی فرهنگی به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه ظرفیت‌های فرهنگی - سیاسی اربعین بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تأثیر داشته است؟ این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی این فرضیه را مطرح می‌کند که مراسم راهپیمایی اربعین دارای بسترهای لازم برای یکسان‌سازی فرهنگی از طریق هم‌اندیشی در مبارزه با ظلم میان ملت‌های مختلف مسلمان است و با توسعه ظرفیت‌های سیاسی مانند نهادینه کردن اندیشه اتحاد مسلمانان، به فرصتی برای اجرای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

کلید واژه‌ها: اربعین، دیپلماسی فرهنگی، راهپیمایی، گفتمان انقلاب اسلامی ایران.

۱. samaneh.tahmasbi1368@gmail.com

۲. h.salehi84@yahoo.com

۱. دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

مقدمه

آیین پیاده‌روی اربعین یکی از نمادهای تمدن‌ساز عصر حاضر برای مسلمانان به‌شمار می‌آید. زیارت مکان‌های مقدس نیز یکی از پدیده‌های اجتماعی جوامع مختلف در طول تاریخ بوده‌است. بعد عینی زیارت به‌عنوان واقعیتی دینی، دارای وجهی نهادی است. نهادمندی زیارت حاصل انجام مکرر عمل زیارت در چارچوب آداب و احکام شرعی زیارت است؛ لذا در فرهنگ شیعی، زیارت به‌مثابه یک نهاد مورد بررسی قرار گرفته است. یعنی زیارت مجموعه‌ای از دانش‌ها و تلویحاً دستورهای است که اندیشه و عمل زائر را در راستای هدفی متعالی تنظیم می‌کند؛ ولی متأسفانه ظرفیت‌های این نهاد مانند بیشتر نهادهایی که به‌عنوان دستاورد تمدنی ایران اسلامی محسوب می‌شوند، مورد غفلت واقع شده‌است. امروزه اربعین تنها یک راهپیمایی معنوی و یا صرفاً زیارت جمعی حسین بن علی علیه السلام نیست، بلکه مدلی متفاوت از نظام مناسبات انسانی در مقابل الگوی سکولار و دنیوی شده غربی است. این مسأله تجربه‌ای در حال ترقی و پیشرفت است که بر منابع دینی و سنن بومی ساخته شده و از فرهنگ مدرن غرب هیچ رنگ و بویی نگرفته است.

اربعین یک پدیده کاملاً انسانی و اسلامی و ظهور یک امت نوین اسلامی است که مدل نظام‌مند آن را می‌توان برای بشر امروز تبیین و آن را در ویتترین جوامع انسانی برجسته کرده و بر آن محاجه کرد. مراسم راهپیمایی اربعین بسترهای لازم برای یکسان‌سازی فرهنگی از طریق هم‌اندیشی در مبارزه با ظلم میان ملت‌های مختلف مسلمان و با توسعه ظرفیت‌های سیاسی مانند نهادینه کردن اندیشه اتحاد مسلمانان، به فرصتی برای اجرای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده‌است. استفاده از دیپلماسی فرهنگی از ملزومات تمدن‌سازی راهپیمایی اربعین محسوب می‌شود. دیپلماسی، فن ارائه تصویر صحیح از خود برای دیگری و دیپلماسی فرهنگی، استفاده از عناصر فرهنگی در ارائه تصویر صحیح از خود برای مردم جهان است. در این راستا شناسایی و ارزیابی ظرفیت‌های فرهنگی و همچنین ظرفیت‌های سیاسی موجود در مراسم

راهپیمایی اربعین می‌تواند شاخص‌هایی مناسب را برای تصمیم‌گیری در حوزه‌های دیپلماسی فرهنگی در اختیار ما بگذارد. با توجه به قرابت فرهنگی و سیاسی میان مردم ایران و عراق، مراسم راهپیمایی اربعین که با حضور بخش بزرگی از مردم این دو کشور برگزار می‌شود دارای ظرفیت‌های گسترده‌ای در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی است که باید مورد شناسایی و ارزیابی قرار گیرند. قرابت‌های میان دو کشور باعث شده طرح‌های گسترده‌ای برای جدایی انداختن میان آنها در منطقه به اجرا دربیاید که نمونه برجسته آن جنگ تحمیلی هشت ساله میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم بعث به رهبری صدام حسین بود. استفاده صحیح از فرصت‌های موجود در پیاده‌روی اربعین ضمن آنکه افق‌های جدیدی در روابط میان دو ملت ایران و عراق ایجاد می‌کند می‌تواند سوابق جنگ‌ها و درگیری‌های گذشته را نیز در اذهان پاک کند.

پیشینه پژوهش

کاوش در ابعاد مختلف راهپیمایی اربعین در ابتدای راه خود قرار دارد. در رابطه با مسئله پژوهش حاضر، تحقیقات مرتبط اندکی صورت پذیرفته است: طالبی (۱۴۰۰ش) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «پیاده‌روی اربعین به مثابه یک رسانه از دیدگاه متخصصان ارتباطات» به دنبال بررسی این موضوع است که آیا می‌توان آیین پیاده‌روی اربعین را به مثابه یک رسانه در نظر گرفت. در این تحقیق شناخت کارکردها، ماهیت، مؤلفه‌های ارتباطی، ساختار و گویه‌های مورد موافقت و مخالفت درباره ابعاد رسانه‌ای پیاده‌روی اربعین بررسی شده‌اند. بشیر (۱۳۹۹ش) در مقاله «جهانی‌سازی راهپیمایی اربعین: سیاست‌ها و راهبردها» حرکت اربعین را در شرایط کنونی جهانی در راستای قیام حسینی در صدد بازنمایی، بازتولید و تثبیت سه دیدگاه شیعی، اسلامی و انسانی قیام عاشورا عنوان می‌کند که می‌تواند افق جدیدی را برای تشیع انقلابی، اسلام‌گرایی واقعی و انسان‌محوری عدالت‌خواه بازگشایی نماید. امری که نجات انسانیت نیز در آن نهفته است. قائم پناه (۱۳۹۹ش) در پژوهشی به «الزامات الزامات نهادینه کردن مشارکت مردمی در اربعین حسینی» پرداخته است. اربعین، پیام پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر، و آغاز شکل

جدیدی از نبرد فرهنگی با طاغوت‌های زمانه است. حادثه عاشورا و بر زمین ریختن خون‌های پاک امام حسین علیه السلام و یاران قهرمانش، بهترین پشتوانه و سرمایه برای این مبارزه تمام نشدنی و مستمر تا قیامت است. عربی (۱۳۹۸ش) در پژوهشی تحت عنوان «پیاپاده روی اربعین حسینی؛ جایگاه و کارکردها» به بررسی فرصت‌ها و تهدیدات موجود در این مراسم پرداخته و برخی از کارکردهای سیاسی، نظامی، امنیتی و فرهنگی آن نیز مورد بررسی قرار گرفته است. آثار یاد شده زیارت اربعین را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما از تحلیل ظرفیت‌های فرهنگی - سیاسی راهپیمایی اربعین و دیپلماسی فرهنگی بازمانده‌اند یا بدان اصالت نداده‌اند که نقطه تمایز آنها با پژوهش حاضر همین است.

بحث نظری

مدل تحلیلی مقاله حاضر مبتنی بر نظریه فرهنگ و هویت در نظریات سازه‌انگاری است. سازه‌انگاری که در فارسی با عناوین سازنده‌گرایی، تفسیرگرایی، تکوین‌گرایی و بر ساخته‌گرایی به کار می‌رود؛ تنها یک نظریه به‌شمار نمی‌رود، بلکه بیشتر یک رهیافت و چارچوب تحلیلی تلقی می‌شود. این رهیافت، به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۸۰ که ناکارآمدی نظریه‌های مسلط بر روابط بین‌المللی در تبیین و پیش‌بینی وقایع پیش آمده آشکار شد، اهمیت وافر یافت. از این رو، نگرش‌های اثبات‌گرا و خودگرای روابط بین‌الملل به چالش کشیده شدند و نظریه‌هایی در چارچوب نگرش‌های تفسیری و هرمنوتیک انتقادی و فراساختارگرا ظهور کردند که از دیدگاه آنها همه واقعیت‌های اجتماعی به وسیله زبان، ایده‌ها و مفاهیم برساخته می‌شوند و هر معنایی در پرتوی قدرت زبان و گفتمان قرار دارد. نظریه سازه‌انگاری با قرار گرفتن میان این دو رهیافت؛ از یک سو، به ویژگی‌های مکاتب خردگرا و اثبات‌گرا اهمیت می‌دهد و از سوی دیگر، با تمرکز بر معانی که بازیگران به رفتار خود می‌دهند و تأکید بر ایده‌ها، باورها، ساختارهای هنجاری و توجه به شکل‌گیری هویت بازیگران، به نظریه‌های بازتابی نزدیک می‌شوند (نظری و صحرائی، ۱۳۹۴: ۶۴).

«هویت» در گذشته در زمره مقولات فلسفی محسوب می‌شد و در پیوندی تنگاتنگ و بعضاً انحصاری با مقوله «خود» قرار داشت و در چارچوب هویت این مفهوم در بستر

گسترده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی صورت‌بندی مدرنیته و به منزله یکی از ارکان اصلی پدیده دولت - ملت مورد امعان نظر قرار گرفت. از نیمه دوم قرن بیستم به بعد مسأله هویت به تدریج جزو موضوعات محوری مورد تحقیق در حوزه «مطالعات فرهنگی» قرار گرفت و به صورت یکی از مناقشه برانگیزترین موضوعات در دو حوزه نوظهور نظریه فرهنگی و اجتماعی درآمد. هویت به معنای هستی و از لحاظ علمی چیستی‌شناسی یا کیستی‌شناسی است. وقتی ما درباره شخصی از هویت او سؤال می‌کنیم در واقع منظور آن است که او چگونه خود را معرفی و شناسایی می‌کند. پاسخی که فرد سؤال‌شونده اظهار می‌دارد به معنای شناخت او از هویت خویش است. هویت ممکن است فردی یا جمعی باشد اما هویت بومی نوعی احساس جمعی است که در آن افراد متعلق به یک زیست‌بوم دارای احساسات، آرزوها، اهداف مشترک و تعلقات همسو خواهند بود. هویت بومی نیروی همبسته‌ساز و سبب پیدایش تعصب بومی، پاسداری از ارزش‌ها و هنجارها، و آداب و اخلاق‌های بومی به‌عنوان بازتاب‌های روانی اجتماعی زیست جمعی تحت عنوان یک گروه یا یک قوم در یک منطقه خواهد شد. در دهه ۱۹۸۰ با شکل‌گیری جنبش‌های جدید در جوامع مختلف که با تبیین‌های مادی قابل شرح نبود؛ اهمیت و تعاریفی که افراد و گروه‌ها از «خود» و «دیگری» در آنها ارایه می‌کردند باعث توجه نظریه‌پردازان جنبش‌های اجتماعی به عوامل هویتی شد. سیاست‌های هویت که بخش عمده مباحث سیاسی رایج در جهان را از حدود دهه نود میلادی به بعد شامل می‌شوند، وسیعاً این واقعیت را شکل داده‌اند که هویت‌های فرهنگی در داخل گروه‌بندی‌های وسیع‌تری همچون ملت، به مشکل وفاداری‌های متعارض منجر می‌شوند. نتیجه در بسیاری از مناطق جهان آن شده‌است که به قول شلزینگر، پیوند قومیت و ملت به پیوندی دردناک و مصیبت‌بار بدل شد. اگر سیاست‌های هویت به خودی خود تعارض را تقویت می‌کنند، پس می‌توان نتیجه گرفت که جنبش‌های مبتنی بر هویت امکان ائتلاف را تضعیف می‌کنند و به واگرایی منجر می‌شوند. علاوه بر این اظهار شده‌است که سیاست‌های هویت، هویت‌های گروهی را شیء‌واره می‌کنند و طی آن، توانایی فرد را برای یک تفسیر خلاقانه از هویتش زایل می‌کنند. به دیگر سخن، توانایی شخص برای تعیین درجه اقتضا و مناسب

یا عدم اقتضا و نامناسب هویت در زندگی تضعیف می‌گردد؛ چرا که سیاست‌های هویت تطابق افراد را می‌طلبند، از اعتبار و سندیت دایه‌های خود دفاعیات دلبخواهانه می‌کنند، به تفاوت‌های درونی در داخل خود اقلیت بی‌توجهی صورت می‌گیرد، جای بحث آزاد را دایه‌های مسلکی و ایدئولوژیک می‌گیرد و انتقادات داخلی تحت این عنوان که غیر وفادارانه هستند، مورد تقبیح قرار می‌گیرند. در واقع انتقاد از سیاست‌های هویت ذیل این عنوان که آنها هویت را شیء‌واره می‌کنند به این معناست که آنها آزادی فردی را محدود می‌سازند (طاهایی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). پژوهش‌های هویتی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) نگرش ذات‌انگارانه کهن‌گرا: این نوع نگرش به هویت انسانی که در علوم اجتماعی تا دهه ۱۹۷۰ نیز مطرح بود، مبتنی بر انتساب برخی ویژگی‌ها به افراد به‌عنوان ویژگی‌های طبیعی و ذاتی فرد است که از روانشناسی خاص آن فرد سرچشمه می‌گیرد. بر این مبنا چشم‌اندازهای خرد جامعه‌شناسی برای توضیح رفتار کنشگران در عرصه اجتماعی در پی فهم ویژگی‌هایی بودند که افراد به خود منتسب می‌کردند.

ب) نگرش برساخته‌گرایی: برساخته‌گرایی اجتماعی، مخالف ذات‌انگاری در علوم اجتماعی حاصل تلاش‌های کسانی چون پیتربرگر، اروینگ گافمن، هوارد بکر و یکی از متأخرین آنها آنتونی گیدنز است که بر ماهیت اجتماعی و رابطه‌ای هویت بر «خود» در مقابل «دیگری» تأکید می‌کند. آنتونی گیدنز با طرح مفهوم «بازتابندگی»، هویت فردی را تصویری بازتابی خود فهمیه‌ای خویشتن در ارتباط با «دیگری» می‌داند که به‌طور روزمره و مداوم ایجاد می‌شود و ناشی از یک ماهیت بینادهنی زندگی اجتماعی است.

ج) نگرش بنیادین: این نگرش به مقوله هویت در عرصه روانشناسی مطرح می‌شود که در عین برساخته بودن هویت فردی، معتقد به تداوم بخش‌هایی از هویت فردی هستند که «شخصیت» فرد را معین می‌کند (رمضان زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

همبستگی پدید آمده ناشی از هویت، قدرت‌زا و نظم خاصی را می‌طلبد. «ابن خلدون در نظریه عصبیت، قدرت سیاسی ناشی از همین همبستگی تاریخی را در تحولات اجتماعی مشرق زمین تفسیر می‌کند. پیوندها یا همبودی‌ها ناشی از خون و نژاد و دین و فرهنگ و یا ترکیبی از این عناصر را سبب همبستگی و از همبستگی به نیروی معطوف به

قدرت یاد می‌کند». این احساس همانندی ممکن است در سطح واحدهای کوچک اجتماعی مثل خانواده یا تش یا مال یا بنکو (مجموعه چند مال) یا واحدهای بزرگتری چون طایفه، ایل، قوم، ملت و یا زیست‌بوم‌های کوچکی، چون روستا، شهر، منطقه، استان، ایالت و یا زیست‌بوم‌هایی چون کشور و قاره‌ها و جهان پدید آید. در هر حال با پیدایش گروه، حس همانندی و همبستگی نیز به تدریج شکل می‌گیرد. به قول ابن خلدون هویت و همبستگی ناشی از آن لحاظ سیاسی، توانایی کسب قدرت و گرایش به کسب قدرت را داراست، هویت بومی نیز سبب پدید آمدن بوم‌گرایی و گرایش به حکومت بومیان بر همه افراد در تمامی ابعاد خواهد شد و این گرایش خواهان به رسمیت شناختن ارزش‌ها و اعتقادات و گویش و آداب و رسوم و رفتارهای محلی و قومی از سوی دولت و همین‌طور در بعد اقتصادی استفاده از منابع منطقه را برای رفاه حال افراد منطقه و توزیع برابر و عادلانه امکانات را برای خود بومیان می‌خواهد (Atried, 2001: 390). همانگونه که سازهانگاران به زمینه‌های اجتماعی ملت‌ها و کشورها توجه داشته و مباحث فرهنگی را نیز در تحلیل‌های خود به کار می‌گیرند درباره موضوع این پژوهش که درباره ظرفیت‌های فرهنگی و سیاسی اربعین و همچنین بررسی فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر این بستر است، سازهانگاری می‌تواند به شناسایی و تبیین موضوعات ادراکی و بین

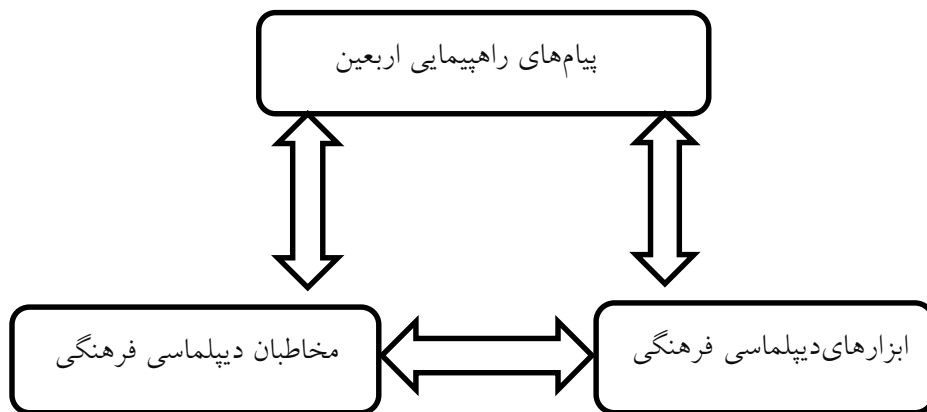
مفهوم دیپلماسی فرهنگی

در تعریف میلون کامینگز، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها. دیپلماسی فرهنگی عبارتست از: «تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تاثیرگذاری بر مردم دیگر کشورها و تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل». بنابراین می‌توان دیپلماسی فرهنگی را به ابزاری برای تأمین منافع و مصالح ملی دینی یک ملت یا فرهنگ تفسیر کنیم. عناوین دیپلماسی مجازی، دیجیتال، شبکه‌ای،

دیپلماسی رسانه‌ای و میانجیگری بین‌المللی، تله دیپلماسی و سایر دیپلماسی را می‌توان تحت این نوع از دیپلماسی تعریف کرد. هر چند دیپلماسی علمی - تکنولوژیک و مشتقات آن چون آموزش و فناوری را می‌توان در قالبی جدا از دیپلماسی فرهنگی به حساب آورد (دهقانی فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹).

تبیین دیپلماسی فرهنگی راهپیمایی اربعین

اگر دیپلماسی را به فن ترسیم و ارائه تصویر صحیح از خود برای دیگری و دیپلماسی فرهنگی را به استفاده از عناصر فرهنگی برای ارائه تصویر صحیح تعریف کنیم، آنگاه دیپلماسی فرهنگی زیارت اربعین به استفاده از سازه‌های فرهنگی در ترسیم و ارائه تصویر صحیح از زیارت اربعین به دیگران تعریف می‌شود. عناصر دیپلماسی فرهنگی زیارت اربعین به شکل زیر قابل ترسیم است:



اهداف اصلی دیپلماسی فرهنگی، ایجاد تصویری مطلوب در ذهن سایر ملل از هویت خویش، اثرگذاری و نقش داشتن در قالب‌دهی به هویت سایرین است. این اهداف در عین وابستگی دارای سلسله مراتب هستند؛ بدین معنا که نخست باید در اذهان دیگران صورت خوبی از هویت خود شکل دهند سپس به دنبال ایجاد نفوذ بر آنها باشند و سرانجام در صورت دادن به هویت آنها ایفای نقش کنند. اهداف اصلی دیپلماسی فرهنگی

راهپیمایی اربعین شامل موارد زیر است: شکل‌دهی تصویری مناسب از هویت اسلامی و فرهنگ شیعی؛ تغییر نگاه منفی جهانیان در قبال اسلام و تشیع؛ تکامل هویت جهانیان به جهت وصول به ارزش‌های اسلامی (کشاوری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹).

دیپلماسی فرهنگی راهپیمایی اربعین می‌تواند با ارائه تصویر صحیح از زیارت اربعین و دنبال کردن چشم‌اندازی مشخص، خلأهای جهان اسلام و موانع راه تمدن‌سازی اسلامی در جهان معاصر را کنار بزند. لذا اهداف زیر را نیز می‌توان برای این حرکت مقدس متصور بود:

ایجاد قدرت: بهره‌مندی جهان اسلام از کانون‌های معتبر برای ایجاد قدرت، ایدئولوژی برون‌گرا که قابلیت طرح خود را در گستره جهانی دارد، سهم قابل توجه در شبکه ارتباطات جهانی به دلیل توان تولید معنا، قلمرو جغرافیای فرهنگی وسیع که در بردارنده جمعیتی بالا است و موقعیت ژئوپلیتیک حساس و تأثیرگذار در نظام جهانی.

انسان‌سازی: محقق ساختن آرمان‌های تمدن اسلامی از طریق نشر منظومه زیست‌موحدانه مبتنی بر معارف قرآن کریم و اهل بیت، تربیت تمدن محور در جهت کادرسازی برای آینده جهان اسلام و پرورش نسلی مؤمن، انقلابی، بصیر، دانشمند و کارآزموده و ارائه الگویی تعمیم‌پذیر از کودک، نوجوان و جوان موفق مسلمان به دنیای امروز، مقابله با چالش‌های فکری و تهاجم فرهنگی و اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی و نیز همکاری و تبادل تجربیات در این زمینه.

همگرایی: تعامل و تبادل فرهنگی در تمامی زمینه‌ها برای گسترش و بهبود روابط در کشورهای اسلامی و جهان تشیع و حرکت به سمت امت اسلامی، تعمیق تبادلات علمی و پژوهشی در جهت احیا و بازنشر میراث جهان‌شمول تمدن اسلامی با رویکرد پاسخگویی به اقشار متنوع مخاطبان و استفاده از فناوری‌های روزآمد و بسیج تمامی مسلمانان برای محافظت از اماکن مقدس.

ترویج و تعمیق معارف اصیل دینی: حل مشکلات امت اسلامی، ترویج معارف دین، قرآن و اهل بیت، زمینه‌سازی برای حضور حداکثری دلدادگان، عاشقان و مسلمانان و خلق بهترین تجربه‌ها در جهت معرفت‌افزایی زائران، ترویج سبک زندگی اسلامی، اسوه

قرار دادن ائمه اطهار، تسهیل و ترغیب امر زیارت و تعمیق معارف دینی، توسعه عزت و قدرت و در نهایت تشکیل جبهه مشترک با اهداف مشترک در مقابل چالش‌های پیش روی جهان اسلام. از آنجا که پیام‌های زیارت اربعین جهانی است مخاطبان دیپلماسی فرهنگی راهپیمایی اربعین را می‌توان تمامی حوزه‌های فرهنگی سراسر جهان تلقی کرد که برای سهولت بیشتر می‌توان آنها را به مخاطبان حوزه‌های فرهنگی جهانی، اسلامی و شیعی تقسیم کرد (توکلی، ۱۳۹۲: ۲۵۶).



حوزه‌های فرهنگی مخاطبان دیپلماسی فرهنگی راهپیمایی اربعین

ظرفیت‌های سیاسی - فرهنگی راهپیمایی اربعین

ابعاد وسیع مراسم پیاده‌روی اربعین بی‌شک این پدیده را در حوزه‌های مختلفی دارای ظرفیت کرده است. برخی از این ظرفیت‌ها عبارتند از:

الف) پیاده‌روی اربعین و مقابله با اسلام آمریکایی

انقلاب اسلامی فراتر از آن‌که یک انقلاب اسلامی با وجه شیعی صرف باشد یک انقلاب دینی با پیامی جهانی است که مخاطبان آن همه مستضعفین عالم هستند که تحت سلطه و ستم مستکبرین جهان قرار دارند. به بیان دیگر انقلاب اسلامی واجد آرمانی جهانی است، که مخاطب آن فطرت همه انسان‌هایی است که به نوعی تحت انقیاد



امپراطوری جهانی ثروت، قدرت و لذت قرار گرفته و دچار سطحی از خودبیگانگی و ازخدا بیگانگی گشته‌اند. نگاه جهان شمول و عام انقلاب اسلامی برگرفته از نگاه جهانی اسلام ناب است که به دور از خط کشی‌های کاذب مختلف همچون قومیت، ملیت و نژاد انسان‌ها را اعضای یک پیکره واحد می‌داند که اگر در دین یکسان نباشند در خلقت با یکدیگر برادر هستند. از این رو مسئولیت حمایت از همه مستضعفین عالم و رساندن پیام رهایی بخش اسلام به آنان از مهمترین کارویژه‌های انقلاب اسلامی بوده و هست. حرکت‌ها و اقدامات گروه‌های مختلف در جهان در هم‌سویی، هم‌دلی و هم‌نوایی با انقلاب اسلامی و حمایت‌های علنی مادی و معنوی انقلاب اسلامی از آنان در همین چارچوب قابل تحلیل است. یکی از محورهای اصلی فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی شبکه بین‌المللی نظام سلطه، تلاش برای شیعی جلوه دادن انقلاب اسلامی و محدود کردن مبارزات و مجاهدت‌های جنبش‌های مقاومت متأثر از آن در آرمان یک جمعیت مذهبی محدود بوده است. تلاش برای مخدوش کردن و از مشروعیت انداختن نسخه مبارزاتی جهادی انقلاب اسلامی با به صحنه آوردن بدیلی مضحک، کاریکاتوری و متوحش همچون جریان تکفیری نشان از طراحی و اجرای پروژه‌های عظیم و پیچیده برای به محاق بردن و منزوی کردن وجه رهایی بخشی جهانی انقلاب اسلامی و محدود کردن آن به جمعیت شیعیان جهان دارد (امیری، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

تلاش‌های پیدا و پنهان نظام سلطه برای شکل دادن به گروه‌های متعدد تروریستی در منطقه و به‌خصوص در عراق و سوریه و کمک‌های گسترده رسانه‌های دیداری، نوشتاری و سایبری غرب برای انتشار جنایات فجیع و مسمم‌کننده گروه‌های تروریستی رنگارنگ همچون داعش و جبهه النصره، نشان دهنده انگیزه‌های شکل‌گیری این گروه‌ها است. در واقع جهانیان با دیدن این رویداد عظیم و جلوه‌های زیبای معنوی و ابعاد انسانی آن، مشتاق آشنا شدن با حقیقت قیام کربلا می‌شوند و این موضوع زمینه‌سازی درخشش پر فروغ‌تر حقیقت اسلام ناب را در سراسر جهان فراهم خواهد کرد و نسخه‌های اسلام آمریکایی همچون جریان تکفیری را به محاق خواهد برد (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۵۲).



ب) شکل‌گیری امت جهانی مستضعفین

مردم عراق اندوخته هرچند اندک خود را که نتیجه زحمات طاقت‌فرسای یک سالشان است برای آسایش زائران در طبق اخلاص گذاشته و در این همایش هزینه می‌کنند. این واقعیتی است که شرکت‌کنندگان در این پدیده در سرتاسر مسیر به وضوح می‌بینند. راهپیمایی‌کنندگان ایرانی هم عمدتاً از اقشار غیر مرفه جامعه هستند که با شرایط ایجاد شده برای این سفر با هزینه‌ای اندک به آن می‌پیوندند. در واقع از بعد اقتصادی، عمده شرکت‌کنندگان و فعالان این همایش عظیم الهی، از اقشار مستضعف هستند. از بعد اعتقادی نیز هرچند عمده شرکت‌کنندگان در این مراسم از مسلمانان شیعه هستند ولی از مذاهب گوناگون سنی، مسیحی، ایزدی، صائبی و... در این همایش عظیم مشارکت می‌کنند. از بعد جغرافیایی و قومیتی هم خلق‌کنندگان این رویداد عظیم از کشورها و اقوام مختلف از گوشه و کنار جهان و منطقه هستند. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که واقعه عاشورا مرزهای اعتقادی و جغرافیایی را درنوردیده و مردم مختلف دنیا را به خود جذب کرده و پیاده‌روی اربعین نه یک حرکت صرفاً شیعی بلکه یک خیزش عظیم انسانی است که بخشی از مستضعفین عالم را حول احیاء ارزش‌های الهی به دور هم جمع نموده و به صورت یک جامعه یگانه و یکپارچه متبلور نموده است. راهپیمایان اربعین، کنشگرانی هستند که در وادی عرفان واقعی به سیر و سلوک مشغولند و در حقیقت امر با طی طریق عشق، به کعبه عاشقان و شاهدان وجه الهی قدم می‌گذارند. در این سیر، هر فرد در عین سلوک فردی و مواجهه شخصی خود با حقیقت کربلا و ارتباط قلبی با امام حسین علیه السلام، در وجه جمعی به‌عنوان عضوی از یک جامعه مؤمن در تلاش و تکاپو در مسیر کمال و سعادت و در دعوت به فطرت الهی قدم می‌گذارد و تلاش می‌کند تا به دیگران در رسیدن به مقصد کمک کند. آنچه در این حقیقت شگرف خود را نمایان می‌سازد، تمرین و ممارستی است که اعضای این جامعه برای شکل‌گیری امت مؤمن انجام داده و به اجمال، مدل جامعه جهانی موعود را شکل می‌دهند (کاوش، ۱۳۹۳: ۷).

ج) گسترش قدرت نرم انقلاب اسلامی

استفاده گسترده راهپیمایان ایرانی و غیر ایرانی از تصاویر مقام معظم رهبری (مدظله

العالی) نشان از تعمیق انقلاب اسلامی و تسری گفتمان امام- امت است که اساس شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تداومش بر آن مبتنا دارد. در مورد زائران ایرانی، نقل قول‌های غیررسمی مبنی بر توصیه مقام معظم رهبری برای شرکت در این مراسم، عامل شرکت گسترده و حضور پرتعداد و شگفت‌آور در آن بود که علی‌رغم تمهیدات ناکافی ارگان‌های مسئول برای خدمات‌رسانی و تسهیل امکانات سفر، نسبت به سال‌های قبل چندین برابر برآورد شده‌است. گستردگی استفاده از تصاویر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در راهپیمایی امسال نشان از نفوذ روزافزون انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن در میان مردم منطقه و جهان است که علی‌رغم تبلیغات گسترده برای کاهش نفوذ و قدرت نرم آن، به ملجأ و پناهگاه مردم مستضعف جهان تبدیل شده‌است. حمایت انقلاب اسلامی از مردم جهان و منطقه فارغ از نژاد، ملیت و مذهب آنان در برابر ظالمان و سلطه‌گران عالم و عوامل آنان، به تدریج حقانیت آن را بر جهانیان آشکار می‌کند. حمایت انقلاب اسلامی از دولت‌های مظلوم و مورد ستم در سطح منطقه و جهان، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش همچون گروه‌های مقاومت فلسطینی و حزب الله و حمایت از قومیت‌ها و مذاهب گوناگون منطقه در برابر تهاجم جریان‌ات وحشی تکفیری، به تدریج سبب آشکار شدن هرچه بیشتر حقیقت انقلاب اسلامی بر جهانیان شده‌است (پیشگاهی فرد، ۱۴۰۱: ۱۴۹).

د) اربعین؛ بستر روابط میان فرهنگی

ارتباطات میان فرهنگی دارای چند عنصر کلیدی است که می‌توان در پرتوی اربعین حسینی به بررسی آنها پرداخت: الف) «ارتباط گران»؛ هر ساله جمعیت چند میلیونی از شیعیان جهان در کربلا تجمع می‌کنند و ارتباط میان آنها برقرار می‌شود. ب) فرهنگ؛ کنش‌های متقابل و ارتباط میان مردم و گروه‌های حاضر در پیاده‌روی اربعین بر مبنای فرهنگ ایجاد می‌شود. در حقیقت ارتباطات میان فرهنگی به معنای توجه به ارتباطات از دریاچه فرهنگ است. ج) عنصر پیام و نحوه تعامل ارتباط گران در حوزه ارتباطات میان فرهنگی؛ به‌طور کلی کنش‌ها و واکنش‌های افراد را می‌توان در فصل مشترک و یا اختلافات آنها جستجو کرد و میزان تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری هر یک از طرفین ارتباط در

این حوزه را بررسی کرد. هر چه اشتراکات بیشتر باشد، همگرایی بیشتر و بالعکس هر چه اختلافات و شکاف در قالب ارزش‌ها و نگرش‌ها بیشتر باشد، بر میزان واگرایی می‌افزاید (احمدی، ۱۳۹۷: ۱۸). از آن جایی که پدیده‌ها با رنگ و بوی مذهبی، معانی فرهنگی متنوعی تولید می‌کنند؛ می‌توان ظهور پیاده‌روی اربعین به‌مثابه سمبل و نماد شیعیان برای بازآفرینی هویت فرهنگی را مورد مذاقه قرار داد (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۵).

ه) راهپیمایی اربعین و بازیابی هویت دینی

هویت از یک سو بر همسانی و تشابه و از سوی دیگر بر تفاوت و تمایز دلالت می‌کند؛ بدین معنی که اعضای یک گروه درون مرز مشخص و بر اساس «شاخصه‌های هویتی» به نوعی با هم شباهت دارند. از سوی دیگر افراد در خارج از این محدوده و در فراسوی مرزهای نمادین از دیگر گروه‌ها متمایز و بر اساس ویژگی‌های اختصاصی و تفاوت با دیگران مشخص می‌شوند. به بیان دیگر در خارج از مرزها گروه به جای هویت با مفهوم هویت‌ها روبه‌رو هستیم که ناشی از تفاوت و گاهی تقابل هویت‌هاست. برخی از کارشناسان اجتماعی هویت را از دیدگاه فردی و روان‌شناختی تحلیل کرده و برخی دیگر از بررسی هویت در قالب اجتماع دفاع می‌کنند و اصطلاح «هویت اجتماعی» را برای بیان ارتباط فرد و جامعه به‌کار می‌بندند. بنابراین تعریف از هویت خویش یک اصل بسیار مهم برای هر فردی است. از نقطه نظر روانشناسی جستجوی یک احساس واحد و یکپارچه از خود، آرمان‌ها و اهداف را روشن و رسیدن به آن را ممکن می‌نماید. خود هویتی فرد به میزان زیاد بر رفتار افراد تأثیرگذار بوده‌است. در راهپیمایی بزرگ اربعین همسانی‌ها و اشتراک افراد حاضر از مناطق مختلف جهان یک احساس و هویت مشترکی را میان حاضران پررنگ می‌کند که ای بسا افراد در موطن خود کمتر با این حجم و تعداد از افراد دارای اندیشه و احساس و باور مشترک روبه‌رو بوده‌اند. احساس لذت «ما» بودن و کثرت و پرشماری میان افراد متعلق به یک هویت در نهادینگی و تثبیت آن هویت کمک شایانی می‌کند. در اربعین توجه به مسیر و مقصد، احساس تعهد و باور نسبت به قیام سالار شهیدان، و زنده نگه داشتن یاد امام حسین علیه السلام به منزله احیاگر دین اسلام به تقویت



هویت دینی و فرهنگ حسینی کمک شایانی می‌کند. راهپیمایی عظیم اربعین در فضای کنونی که عراق هدف اقدامات تروریستی و مانور جریان تکفیری داعش بود امکان و زمینه‌ای را فراهم آورده است تا غیریت‌سازی نسبت به این جریان تروریستی برای تثبیت هویت خود بیشتر فراهم شود. برگزاری همایش بزرگ اربعین در چنین فضا و مکان و زمانی که تا چندی پیش هدف تهدید جدی تروریست‌های داعش بود احساس بزرگی و عظمت ما در قبال دیگران (گفتمان تکفیری) را به وضوح نشان می‌دهد (خانی، ۱۳۹۴: ۵۹). ایجاد اعتماد و همبستگی متقابل که میان شیعیان در این راهپیمایی است، به دلیل پیوند تاریخی و نیز گفتمانی میان شیعیان ایران و عراق سرمایه اجتماعی دو کشور محسوب می‌شود. در واقع شکل‌گیری پیوندهای میان جوانان، دانشگاهیان، نیروهای امنیتی و انتظامی، نهادها و دستگاه‌های مربوطه در دو کشور برای ایجاد رضایت و خدمت‌رسانی حداکثری به زائران، ابعاد مهمی از کارآمدی در برقراری نظم و امنیت را به نمایش می‌گذارد که به نوبه خود عامل مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی شیعی است.

و) راهپیمایی اربعین به مثابه مناسک سیاسی

از نگاه امیل دورکیم جامعه‌شناس برجسته فرانسوی، آنچه جامعه را سر پا نگه می‌دارد، احساس «همبستگی» میان اعضای آن است. او برای بازشناسی جامعه مدرن از جامعه سنتی نیز از همین مفهوم استفاده کرده و بر اساس میزان و نوع همبستگی میان اعضای آن، جامعه سنتی را جامعه‌ای ساده و دارای همبستگی مکانیکی و جامعه مدرن را پیچیده و با همبستگی ارگانیک می‌داند. البته برای درک ماهیت همبستگی اجتماعی، در جامعه‌شناسی دورکیم به میزان و نوع «تقسیم کار» ارجاع داده می‌شود. او بر این باور بود که در شرایط تقسیم کار کم و ساده که همبستگی مکانیکی را پدید می‌آورد، مردم کارهای همانندی انجام می‌دهند و از این رو تمایل دارند که مانند هم بیان‌دیشند و هنجار حاکم بر چنین جامعه‌ای نیز هم‌رنگی با جماعت است. با این حال به نظر می‌رسد در مطالعات جامعه‌شناسی دین دورکیم، می‌توان به درک بهتری از ریشه‌های همبستگی اجتماعی دست یافت. دورکیم بر این باور است که در جامعه سنتی، دین نقش پررنگی در ایجاد و تداوم



همبستگی اجتماعی بازی می‌کند. او اثرگذاری و تعیین‌کنندگی دین در چنین جامعه‌ای را با تکیه بر اعمال ملموس عبادی و آداب نمادین دینی توضیح می‌دهد. گردهمایی مردم برای انجام مناسک عبادی مشترک و نمادین در چنین جامعه‌ای، حس نیرومند تعلق گروهی را میان آنها ایجاد و تثبیت می‌کند. به باور دورکیم «هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که لازم نداند در فواصل منظم زمانی، احساسات و آرمان‌های جمعی را به علامت حفظ و تصدیق دوباره آنها به نمایش بگذارد؛ زیرا اینها هستند که عناصر سازنده وحدت و شخصیت یک جامعه را تشکیل می‌دهند. جامعه می‌داند که این بازسازی معنوی و اخلاقی امکان ندارد، مگر به وسیله گردهمایی‌های مکرر و بر پا کردن تجمعات و جلساتی که در آنها افراد به اتفاق به تأکید مجدد بر احساسات جمعی خویش پردازند (Attride-Stirling, 2001: 385-401).

در راهپیمایی بزرگ اربعین احساس همبستگی میان حاضران در قوام و تثبیت همبستگی دین‌داران، تأثیر به‌سزایی دارد. تبدیل اربعین به مناسکی جهانی با فراگیر شدن این رویداد به کشورهای منطقه و نیز حضور غیرمسلمانان در این همایش عظیم، ابعاد تازه‌ای به این مناسک می‌بخشد؛ چنین آیینی زمان، مکان و فضا را درهم پیوند می‌زند و رفتار جمعی با تقسیم کار میان مهمانان و میزبانان و نیز احساس مشترک و عینیت آن برای انجام مناسک عبادی مشترک و نمادین، حس نیرومند تعلق گروهی را میان آنها ایجاد و تثبیت می‌کند. اگرچه اغلب حاضران را باورمندان به مکتب شیعی و وفاداران به اسلام انقلابی تشکیل می‌دهند؛ اما اکنون دایره چنین همایشی به اهل سنت و حتی غیرمسلمانان نیز ارتقا یافته و نوعی همبستگی بزرگ معنویت‌خواهان و آزادی‌طلبان را رقم زده است. چنین همایشی که ابعاد سیاسی غیرقابل انکاری دارد بر بستر مناسک دینی بزرگداشت قیام سالار شهیدان صورت می‌گیرد و به نوعی جهانی شدن پیام انقلاب اسلامی را که آن نیز بر پایه مناسک دینی عاشورا رقم می‌خورد به ثبوت می‌رساند. مروری بر تحولات انقلاب اسلامی از قیام ۱۵ خرداد گرفته تا راهپیمایی عظیم عاشورای سال ۵۷ اهمیت استقرار انقلاب اسلامی بر پایه مناسک عاشورایی را نشان می‌دهد. از این جهت گفتمان اسلام انقلابی شیعی محور در همایش بزرگ اربعین سرچشمه جریان‌ها و خیزش‌هایی است که در موفقیت محور مقاومت بر جریان معارض با فرهنگ عاشورا یعنی جریان سلفی

تروریستی تأثیر و کارایی خود را نشان داده است (پرویش، ۱۳۹۶: ۱۲۳). در این راستا باید گفت دیپلماسی فرهنگی به عنوان رکن چهارم دیپلماسی، فرایندی مردم محور است و حتی اگر دولت‌ها در مدیریت آن نقش داشته باشند، باز نقش آفرینان اصلی آن، مردم کشورها هستند. به همین دلیل راهپیمایی اربعین حسینی را باید علاوه بر جلوه‌های مذهبی آن، یک اقدام دیپلماتیک فرهنگی دانست. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان اصلی‌ترین حامی تشیع در جهان اسلام، مهمترین دولت مسئول در فرایند راهپیمایی اربعین و به تعبیری کشور مبدأ در این اقدام دیپلماتیک است. نقش آفرینان اصلی، مردمی هستند که از کشورهای مختلف در این حرکت بی نظیر شرکت می‌کنند. یاری رسانی به دولت عراق در تمام صحنه‌ها، به ویژه در مواجهه با داعش و کنترل و مدیریت راهپیمایی اربعین، تداعی کننده نقش کلیدی و رهبری ایران در جهان اسلام و مسائل شیعیان جهان است و آنان، جمهوری اسلامی را اصلی‌ترین حامی و مذهب خویش می‌دانند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت برگزاری شکوهمند راهپیمایی اربعین و حمایت ایران از آن، حاوی پیام‌های مهمی در صحنه جهانی است که برخی از آنها عبارتند از: ۱) قرائت شیعه از اسلام، قرائتی انسانی، محبت‌آمیز و مصلحانه است و خشونت کور و تصلب در آن جایگاهی ندارد؛ ۲) راهپیمایی اربعین، راهپیمایی مسالمت‌آمیز، صلح‌طلبانه در مقابل سلفی‌گری، خشونت‌طلبی و نژادگرایی عربی است؛ ۳) مردم و دولت ایران در این راهپیمایی، به حمایت مردمی می‌روند که سه دهه پیش با آن جنگیده‌اند و هیچ کینه‌ای از مردم عراق در دل ندارند. آنان با سیاست‌های غلط و تجاوزکارانه حاکم بر عراق جنگیدند؛ ۴) اسلام در کنار ظرفیت‌های جهادی و دفاعی حامل بزرگ‌ترین ظرفیت برای صلح و امنیت جهانی است.

نتیجه

بررسی ظرفیت‌های سیاسی و فرهنگی مراسم پیاده‌روی اربعین نشان‌دهنده بزرگی این پدیده در تاثیرگذاری بر مسائل پیچیده امنیتی، ژئوپلیتیکی، اجتماعی و حتی علمی در سطح منطقه و جهان است. این مساله نشان می‌دهد که در ایران بایستی مطالعات فراوان و گسترده‌ای در رابطه با اربعین صورت پذیرد. مراسم اربعین تعداد بسیار زیادی از مسائل



سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در صحنه عراق و یا منطقه آفریده و تعدادی دیگر را با متمرکز کردن پیرامون خود به نظم درآورده است. به همین دلیل نگرش به مسائل این چنینی در طی مراسم راهپیمایی اربعین از برخی جهات دارای پیچیدگی‌های کمتری خواهد بود. این موضوع به این خاطر است که مراسم اربعین بسیاری از مسائل پنهان و مستتر در بطن جوامع منطقه را به نمایش درآورده است؛ موضوعاتی که بدون وجود مراسم اربعین یافتن آنها و بررسی‌شان کاری طاقت‌فرسا بود. مسائلی مانند قدرت بسیج‌گری ایدئولوژی شیعه و نشان دادن وجوه مردمی آن چیزی نبود که بدون مراسم پیاده‌روی اربعین بتوان به سادگی بر آنها صحنه گذاشت و آنها را با شواهدی قاطع نشان داد؛ آن هم در شرایطی که فضای رسانه‌ای جهانی بر علیه ایران و محور مقاومت است. از این رو باید گفت با توجه به این که راهپیمایی اربعین در حفاصل مرزهای ایران تا قلب عراق انجام می‌شود طبعاً بیشترین آثار را در کشور به جای می‌گذارد ضمن این که در میان زائرین افراد زیادی از سایر کشورها و مذاهب حضور دارند که جمهوری اسلامی می‌تواند از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی خود در راستای جذب آنان به فرهنگ تشیع استفاده کند. از آن جایی که دیپلماسی فرهنگی فرایند موثری است که در آن فرهنگ یک ملت به جهان بیرون عرضه می‌شود و خصوصیات منحصر به فرد فرهنگی ملت‌ها در سطوح دو جانبه و چند جانبه ترویج می‌یابند لذا پیاده‌روی اربعین می‌تواند به‌عنوان یک جریان فرهنگی در سایه تبلیغات رسانه‌ای نقش مهمی در نزدیکی دو ملت ایران و عراق ایفا کند. در این میان جمهوری اسلامی با توجه به ثبات سیاسی و قدرت و پیشینه فرهنگی و توان عظیم رسانه‌ای می‌تواند بهره‌های بیشتری از بزرگ‌ترین پروژه سیاسی-زیارتی دنیا ببرد. از آن جایی که جمهوری اسلامی از یک طرف مرکز ثقل تشیع در جهان و از طرف دیگر ام القرای جهان اسلام است؛ لذا می‌تواند در سایه پروژه عظیم اربعین نقش مهمی در ترمیم چهره اسلام در جهان بازی کند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که معرفی مؤلفه‌های فرهنگ عاشورایی و بهره‌گیری از آن برای همگرایی منطقه‌ای و جهانی، شناخت دقیق مخاطبان در سطح جهان اسلام و دیگر حوزه‌های فرهنگی جهان، افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات از مهمترین راهبردهای دیپلماسی فرهنگی اربعین محسوب می‌شود.

منابع

- احمدی، علی (۱۳۹۷)، «دلالت‌های راهبردی ارتباطات میان فرهنگی برای همگرایی اسلامی با تأکید بر راهپیمایی اربعین»، فرهنگ و ارتباطات، سال سوم، شماره اول، پیاپی (۵)، ص ۱۷-۳۸.
- امیری، صاغر (۱۳۹۴)، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه، تهران، اندیشه سازان نور.
- پرویش، محسن (۱۳۹۶)، «همگرایی جهانی و راه‌کارهای وصول به آن از طریق گسترش فرهنگ اربعین»، مقالات سومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- پیشگاهی فرد، فاطمه (۱۴۰۱)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، زمستان، شماره ۶۱.
- توکلی، یعقوب (۱۳۹۲)، «کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۲۴۷-۲۷۳.
- خانی، محمدحسن (۱۳۹۶)، «آیین اربعین به مثابه منبع قدرت نرم جهان اسلام»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین، جلد ۴، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴)، دیپلماسی عمومی نوین: کارکرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، تهران، نشر ابرار معاصر تهران.
- رمضان‌زاده، علی (۱۳۸۹)، «مبانی نظری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه ندای ایران، شماره ۲۹.
- طاهایی، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، «اخوت انسانی و پیامدهای آن در عرصه جهانی»، مجله اسراء، شماره ۱۳.
- طالبی، حامد (۱۴۰۰)، «پیاده‌روی اربعین به مثابه یک رسانه از دیدگاه متخصصان ارتباطات»، نشریه دانشکده علوم و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- عربی، حسینعلی (۱۳۹۸)، «پیاده‌روی اربعین حسینی؛ جایگاه و کارکردها»، فصلنامه معرفت، شماره ۲۱.
- قائم‌پناه، اکبر (۱۳۹۹)، «الزامات نهادینه کردن مشارکت مردمی در اربعین حسینی»، پژوهشنامه جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد.

- کشاورز، عباس و همکاران (۱۳۹۲)، «دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه؛ تحول ارتباطات و لزوم کاربرد ابزارهای نوین»، فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، مجموعه مقالات و یادداشت‌های دومین همایش بین‌المللی لقاءالحسین، جلد سه، شماره ۵۵، قم، کتاب جمکران.

- کاوش، عبدالقادر (۱۳۹۳)، «ایدئولوژی و کاربرد آن در منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، شماره ۳.

- مرادی، حجت‌الله (۱۳۸۹)، «بررسی راهبرد تهدید سخت و نرم آمریکا در محیط نوین بین‌الملل»، در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران، نشر ساقی.

- مرتضوی، سید خدایار (۱۳۹۹)، «پیاده‌روی اربعین به مثابه اسطوره‌ای برای بازآفرینی هویت فرهنگی (تحلیل اسطوره شناختی پیاده‌روی اربعین حسینی)»، پژوهشنامه معارف حسینی، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۱۱۳-۱۳۸.

- نظری، سیدرضا و محمد صحرايي (۱۳۹۴)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر ققنوس.

Attride-Stirling, J (2001). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", Qualitative Research, Vol. 1, No. 3, p. 385-405.

